

کارنامه شاه عباس اول صفوی

مؤلف:

علی غلامرضائی



انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

پاییز ۹۵

سرشناسه	غلامرضائی، علی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدید آور	کارنامه شاه عباس اول صفوی / علی غلامرضائی
مشخصات نشر	تهران-ارثی جمهوری اسلامی ایران- دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا- انتشارات دافوس آجا ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۱۴۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۶۳-۲۴-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه
موضوع	عباس صفوی اول، شاه ایران، ۹۷۸ - ۱۰۳۸ ق.
موضوع	ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷ - ۱۴۸۰ ق.
موضوع	Iran - History - Safavids, ۱۵۰۲ - ۱۷۳۶
موضوع	ایران - شاهان و فرمانروایان - سرگذشتنامه
موضوع	Iran - Kings and rulers - Biography
شماره افزوده	ایران ارتش. دانشکده فرماندهی و ستاد. انتشارات دافوس
رده بندی کنگ	DSR ۱۲۱۶/غ۸.ک۲ ۱۳۹۵
رده بندی دی.سی	۹۵۵/۰۷۱۵:
شماره کتابشناختی ملی	۴۴۰۳۴۵۰:

عنوان: کارنامه شاه عباس اول صفوی

مؤلف: علی غلامرضائی

ویراستاران: مریم حیدری پور و معصومه گیلان محسنی

ناظر چاپ: حسین مومنی فرد

صفحه آرای: سامان آزاد

طراح جلد: علیرضا قانع

ناشر: انتشارات دافوس آجا

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحه: ۱۴۲ ص

تاریخ نشر: ۱۳۹۵

چاپ اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مدیریت انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس

تلفن: ۶۶۴۱۴۱۹۱ - ۲۱

www.dafoosaja.ac.ir

مسئولیت صحت مطالب بر عهده مؤلف می‌باشد.

کلیه حقوق برای دافوس آجا محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است)

فصل اول

۱۵	از عباس میرزاتا شاه عباس کبیر
۱۶	حکومت الله ها
۱۷	حمله امپراتوری عثمانی
۱۹	تاجگذاری خونین
۲۰	شادی از تسلل رقیب
۲۲	چهره ایران، چهره جهان
۲۳	امتیازات فتح بشری
۲۳	قرلباش
۲۴	شاهسون
۲۵	حکومت های شرقی
۲۶	ایران و همسایگانش

فصل دوم

۲۹	دوره حکومت آهنین شاه عباس
۳۱	اصلاحات شاه عباس
۳۱	اوضاع اصفهان
۴۰	سیاست شاه عباس درباره اسکان آرامنه در اصفهان
۴۳	کاروان سراها
۴۶	پاسخ درشت به عثمانی

فصل سوم

۵۱	زندگی خصوصی شاه عباس
۵۱	شیرغازی
۵۵	فرزندان تیره روزشاه
۵۶	تراژدی صفی میرزا
۵۶	همسران شاه عباس
۵۷	عشق عباس و پری

۵۸	کنایه و پاسخ یک حکیم
۵۹	حکم منجم باشی
۶۰	جنگ با فال حافظ
۶۰	شاه خوب و شاه بد
۶۲	حکایت مصطفی شیرفروش
۶۶	میرزای عالمیان
۶۶	فیل طلا
۶۷	درآمدهای شاه
۷۱	موضع شاه عباس در مورد فتنه های مذهبی
۷۶	شاه عباس، هنرمندان
	فصل چهارم
۸۳	روابط خارجی شاه عباس
۸۳	شاه عباس و اروپاییان
۸۶	حکایت های تاورنیه
	فصل پنجم
۱۱۷	پرده آخر
۱۱۹	انتخاب ولیعهد
۱۱۹	واپسین نفس
	فصل ششم
۱۲۳	ایران پس از شاه عباس
۱۲۵	سام میرزا شاه صفی شد
۱۲۸	شاه سلطان حسین
۱۳۰	سخن پایانی
۱۴۱	منابع

مقدمه:

ستایش مر خدای را که رشته کارهای آفرینش و تاز و بود امور هستی در کارگاه اراده و بر منوال تدبیرش بافته و پیوسته شود و امواج ازمنه و روزگاران از سرچشمه قضای او بژرف دریای تقدیرش فرو ریزد.

بدبخت ملتی که تاریخ خود را نداند، تیره بخت تر از آن ملتی است که علاقمند به دانستن تاریخ خود نباشد و شور و بخت تر از همه ملتی است که تاریخ خود را به ریشخند برد.

ایران تاریخی کهن دارد و تقسیماتی که در تاریخ ایران شده بیشتر بر مبنای شروع و پایان کار سلسله های سلاطین بوده و از فتوحات و کشتار و زندگی اختصاصی آنها سخن رفته است. ظهور اسلام و انتشار آن در ایران به همراه سقوط دوره ساسانیان دگرگونی بی سابقه ای در این سرزمین ایجاد کرد. معمولاً در یک ترسیم کلی، تقسیم تاریخ ایران را به دو عنوان قبل از اسلام و بعد از اسلام می بینیم. از اختراع خط تاکنون در تاریخ ایران دو دوره کلی قبل از اسلام و بعد از اسلام را مشاهده می کنیم از اختراع خط تا سال ۳۱ هـ ق را که مقارن است با ورود اسلام به ایران و سقوط سلسله ساسانی، تاریخ ایران باستان نامیده می شود و تاریخ ایران بعد از سال ۳۱ هجری تاکنون به نام تاریخ ایران اسلامی می نامند این دوران نیز برای خود تقسیماتی دارد که ذیلاً به آن تا زمان صفویه اشاره می شود.

۱- دوره انضمام ایران به سرزمین کل اسلام، طول این دوره نزدیک به دو قرن یعنی از سال ۳۱ الی ۲۰۵ هجری است. در این دوره ایران قسمتی از سرزمین بزرگ اسلامی شد حکمرانان مناطق از جانب خلیفه معین می شدند. با اینکه دعوت اسلام به ملت و قوم خاصی اختصاص نداشت ولی رفتار حکمرانان با عنوان اسلامی نسبت به ایرانیان مسلمان مناسب نبود. مع الوصف چون ایرانیان روح خود را با اسلام سازگار دیده بودند بیش از هر ملت دیگری به اسلام شیفتگی

نشان دادند و به آن خدمت کردند. به همین دلیل توجه ایرانیان به خاندان رسالت از هر ملت دیگری بیشتر بود و تشیع در میان ایران نفوذ بیشتری یافت یعنی ایرانیان روح اسلام و معنی اسلام را نزد خاندان رسالت یافتند. فقط خاندان رسالت بودند که پاسخگوی پرسش ها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند آن چیزی که بیش از دو چیز روح تشنه ایرانی را بسوی اسلام می کشید عدل و مساوات اسلامی بود. ایران قرن ها از این نظر محرومیت کشیده بود و انتظار چنین چیزی را داشت ایرانیان می دیدند دسته ای که بدون هیچ گونه تهیی عدل و مساوات اسلامی را اجرا می کنند و نسبت به آنها بی نهایت حساسیت دارند. خاندان رسالت اند. خاندان رسالت پناهگاه عدل اسلامی مخلصان را بر بطن مسلمانان غیر عرب هم بودند.

۲- دوره امیران و شاهان محلی که از سال ۲۰۵ الی ۶۵۶ هجری می باشد. پیشوایان واقعی مردمی همچنان مانند دوره قبل از اعمال حاکمیت و اجرای حدود الهی محرومند. حکومتی که خاندان رسالت برای ایالات ایران معین می کردند کم و وضع موروثی پیدا کردند. اما مردم کم کم به حقایق اسلام واقف می شدند و دوستی آنها متوجه کسانی است که ایمان با اسلام منطبق است اما محور قدرت را در اختیار ندارند. در سال ۲۰۵ هجری مامون خلیفه عباسی، طاهر ذوالیمین را برای حکومت خراسان و افغانستان و ماوراءالنهر معین ساخت و همچنین طاهر اولین سلسله شاهان محلی را در ایران به وجود آورد و پس از آن سلسله های دیگری از شاهان در نقاط مختلف ایران اعلام استقلال نمودند و بعد از آن شاهان ترک نژاد غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان حکومت را در دست گرفتند.

در این دوره گاهی شاهانی از همین سلسله بغداد را به تصرف در آوردند و خلیفه را مطیع خود می ساختند. این دوره مقارن قرون وسطی تاریک اروپاست که اختلافات

سیاسی و مذهبی بین دول اروپا و روسای طوایف جریان دارد و بازرگانان اروپایی فراتر از سواحل شرق مدیترانه نمی روند و با کشور ایران رابطه ای ندارند .

۳- دوره تسلط مغولان و تاتاران که از سال ۶۵۶ الی ۹۰۷ ه ق است . این دوره با هجوم چنگیز به کشورمان شروع می شود . مهاجمین زرد پوست هنگامی که با هدایت هولاکو خان مغول در سال ۶۵۶ بغداد را تصرف کردند و آخرین خلیفه عباسی را به قتل رساندند به تسلط ظاهری خلفا بر ایران پایان دادند و در ایران خاندان مغول و سپس سلسله تیموریان را تاسیس کردند . شاهان و حکام و ایران اروپا باب مراوده را با جانشین چنگیز باز نمودند و جهانگردان و مبلغین مسیحی و تجار به ایران راه یافتند و بازار اروپا با شرق رونق یافت و این وضع در زمان تیموریان هم ادامه یافت . در آخرین قرن این دوره سرزمین ایران بدست دو قبیل ترکمن و آق قویونلو و قره قویونلو افتاد که به طور مستمر در حال جنگ و نزاع بودند و مردم نیز در وضع فقر و فلاکت به سر می بردند . همه سرزمین های اسلامی را در اختیار گرفتند و با فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ میلادی امپراطوری عثمانی را پایه گذاشتند و برای تصرف ایران هم نقشه داشتند . از طرف دیگر دریانوردان پرتغالی مثل واسکو دوگاما در جستجوی کشف سرزمین ها بودند و بعد دماغه امید نیکه را متعین و استقرار در سواحل غربی هندوستان به خلیج فارس روی آوردند و بنادری در ایران را اشغال نمودند . طوایف ازبک و ترکمن نیز مرتباً شرق ایران را مورد تهاجم و غارت قرار می دادند و از سه جانب استقلال ایران در معرض تهدید و تجاوز قرار گرفته بود . سرانجام شاه اسماعیل صفوی قیام کرد و صفویه را پایه گذاری کرد و دوره دیگری در حیات ایران شروع شد . چون اوج قدرت و عظمت صفویان در زمان شاه عباس است ، این کتاب به حوادث و رخدادهای این بزرگ مرد تاریخ ایران بعد از اسلام اختصاص دارد .

شاه عباس بزرگ، نامدارترین پادشاه دوره‌ی صفویان است. او فرزند شاه محمد خدابنده و پنجمین شاه از دودمان صفوی است که از سال ۹۹۶ ه. ق. تا زمان مرگ بر ایران به مدت بیش از ۴۲ سال با اقتدار حکمرانی نمود.

شاه عباس در کودکی "عباس میرزا" نام داشت و در دو سالگی والی هرات شد. او به معماری، موسیقی، نقاشی و شعر علاقه داشت و میدان نقش جهان، عالی‌قاپو، بخش‌هایی از عمارت چهل‌ستون، چهارباغ و پل‌های سی‌وسه‌پل و خواجه‌بر روی زاینده رود از آثار به‌جای مانده از دوران سلطنت وی هستند. شاه عباس فردی سخت‌گیر و جدی بود. هیچ‌گونه ریاکاری، با متخلفین نداشت و با مجازات‌هایی بسیار سخت با آنان برخورد می‌کرد و این کار، باعث امنیت در جاده‌ها و شهرها شد.

شاه عباس هنگامی به سلطنت رسید که غرب و شمال غربی ایران در تصرف دولت عثمانی بود و همچنین در شمال شرق ایران نیز خراسان، جولان‌گاه اذیت‌ها شده بود. در داخل کشور نیز طی ۱۲ سال از بی‌آرامی، "شاه تهماسب" و در دوران پادشاهی "شاه اسماعیل دوم" و "شاه محمد خدابنده"، قدرت شاه کاهش پیدا کرده بود. دسته‌بندی‌های قبیله‌ای قزلباشان مجدداً به شکل افزایش یافته بروز کرده و دوگانگی میان ترکان و تاجیکان (مردم غیر ترک) شدت پیدا کرده بود. در نتیجه این چنددستگی، هر یک از مقامات دولتی در اندیشه منافع و قدرت خویش بود و کشور دچار هرج و مرج گردیده بود. شاه عباس با اولویت بندی مشکلات متعدد توانست در طول سلطنتش به اسلحه صفویه را به اوج قدرت، شکوه و عظمت برساند. عباس میرزا به همراه علی‌قلی بیگ، ترک‌کان شاملو در جنگ‌های خراسان، محاصره قلعه نیشابور، محاصره قلعه تربت و نبرد با عیال پدرش شاه محمد خدابنده (شاه وقت) جنگید. وی در هجده سالگی قزوین را متصرف شد و در نهایت خود را شاه ایران خواند.

شاه عباس در ابتدای پادشاهی، برای آن‌که خیالش از حمله پیش‌دستانه امپراتوری عثمانی به قلمروهای ایران آسوده گردد، پیمان‌نامه صلح با آن کشور بست و مناطقی کردنشین در عراق و سوریه کنونی را به آنان واگذار کرد. سپس به بهینه‌سازی امور درون‌کشوری و فرونشاندن شورش استان‌ها پرداخت. او نخست ازبکان را شکست داد و سپس به جنگ با دولت عثمانی درآمد. او در سه نوبت با عثمانی‌ها جنگید و در هر سه بار پیروز شد. همچنین دو بار به گرجستان حمله کرد. از واپسین لشکرکشی‌های او می‌توان فتح قندهار

و آزادسازی جزیره‌ها و بندرهای خلیج فارس از نیروهای پرتغالی را نام برد. در زمان شاه عباس درآمد دولت ایران بالا رفت و بازرگانی با کشورهای اروپایی و چین افزایش یافت. او بسیاری از نقاط ایران را آباد کرد و بناهای بسیاری ساخت که هنوز برخی از آن‌ها پابرجاست.

شاه عباس در مدت شصت بهار زندگی صاحب پنج پسر شد که اسامی آنها به ترتیب تولد عبارت است از: محمد باقر میرزا مشهور به صفی میرزا، حسن میرزا، سلطان محمد میرزا، اسماعیل میرزا و بالاخره امام قلی میرزا. از این پنج پسر، صفی میرزا به فرمان پدر کشته شد. حسن میرزا و اسماعیل میرزا در کودکی درگذشتند و محمد میرزا و امام قلی میرزا به فرمان شاه عباس کور شدند. از این رو، شاه عباس، از خاندان خود، کسی را برای جانشینی و تساحی و تفتیش باقی نگذاشت. بدین شیوه در هنگام مرگ چون جانشین شایسته‌ای از خرد باز نداشت و به ناچار نوه او با نام "شاه صفی" به پادشاهی رسید.

دوره حاکمیت شاه عباس اول اوج روابط سیاسی با دول اروپایی و از جمله پرتغالیان و اسپانیایی‌ها می‌باشد. در این دوره شاهد رفت و آمدهای سفیرانی از هر دو طرف هستیم، که به استثنای چند سفیر آخر، قبیله ما کشیش مذهبی بودند و جدای از خواسته‌های سیاسی به دنبال امتیازات مذهبی نیز بودند. طوری که در زمان این پادشاه به تجارت مسیحی که مایل به تجارت با ایران بودند حقوق و امتیازاتی که اعطا می‌شد فوق العاده رضایت بخش و جالب توجه بود، بدین معنی که هیچ کسی حق مداخله در کار آنان را نداشت و هیچ نوع عوارضی و رسومی بر آنها تحمیل نمی‌شد و نیز هیچ آدم مذهبی و ملائی نمی‌توانست موجب تشویش و اضطراب خاطر آن‌ها شود. همچنین درباره اوضاع مذهبی آنها در این زمان در اصفهان و جلفا، چهار نوع روحانی فرزنی می‌بینیم؛ در اصفهان "گوستین‌ها"، "کارم‌ها" (کارملیت‌ها) و "کاپوسین‌ها" و در جلفا "روزنیت‌ها" (یسوعیان)، و اما در میان این فرقه‌های مسیحیت در این دوره، تعداد کرملیها از دیگر فرق بیشتر بوده و نیز به کوشش همین فرقه اولین چاپخانه در ایران به نام "بصمه‌خانه" در اصفهان در حدود سالهای ۱۰۳۰ هجری ساخته شد که این موارد خود گواه بر آزادی مذهبی آنان در ایران می‌باشد.

شاه عباس اول که مضرات تعصب خشک و سیاست کناره‌گیری را درک کرده بود، بنابراین اروپائیان را استخدام نمود و برای تقویت کشور خویش از صنایع آنها کمک گرفت و وسعت

نظرش را از رفتار او نسبت به ارامنه ظاهر می شود، به عوض آنکه با این اسرای مسیحی بطور اسیر رفتار کند، پنج هزار خانوار آنها را با تمام مایملکشان از جلفای ارس به جلفای جدید نزدیک اصفهان کوچ داد. و ارامنه در آنجا به سرعت جایگزین شده و پس از ترقی وسیله ای برای افتتاح باب تجارت با ممالک خارجه شدند. به قدری این مرکز مسیحیان ترقی نمود که حتی در این اواخر تمام اروپائیان چه هیئت های مبلغین، چه بازرگان که در اصفهان کار داشتند، در این قصبه ارامنه سکنی می کردند و همچنان که در فوق اشاره شد مشمول عنایت و امتیازات فراوانی از جانب شاه عباس شدند. امید است کتاب حاضر بتواند در جهت پیشبرد توان علمی خوانندگان گرامی گام های موثری برداشته باشد. در پایان لازم می دانم از دانشجویان عزیزم که در تهیه و تدوین این کتاب مرا یاری نمودند و همچنین از ریاستاران این کتاب خانمها مریم حیدری پور، معصومه گیلان محسنی، مولود غلامرضا و زهرا غلامرضائی، تشکر و قدردانی نمایم.